



بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

# مسیحیت و صهیونیسم

## خود ساخته

نویسندگان: داوود میرزایی مقدم و مهدی ستایش

منبع: سایت پژوهه



ویرایش و تنظیم:

بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

◆◆ [www.zionism.blog.ir](http://www.zionism.blog.ir) ◆◆



## مقدمه

درست از زمانی که حملات وحشیانه‌ی آمریکا به بهانه‌ی انهدام برج‌های دوقلو به افغانستان و عراق شروع شد، تبلیغات مسیحیت تبشیری در ایران و دیگر کشورهای منطقه جانی دوباره گرفت. کافی است ورقی به اتفاقات اخیر منطقه‌ی خاورمیانه در چند سال اخیر بزنید یا کمی در سایت‌های اینترنتی، جستجو کنید تا متوجه شوید در چند سال اخیر چقدر تبلیغات مسیحیت تبشیری در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، کلیساهای رسمی، کلیساهای خانگی، سایت‌های اینترنتی، وبلاگ‌های شخصی، کلیساهای مجازی اینترنتی و ... شدت گرفته است!

و صد البته خواننده‌ی فهیم این سطور می‌داند که منظور نویسندگان این مقاله از مسیحیت تبشیری و وابسته، آن دسته از انسان‌های خدا پرست و پاک‌طینت مسیحی و مسیحیت اصیل یعنی مسیحیانی که به شوق دعوت به توحید و آزادگی انسان در تلاش هستند، نیست. نگاه نقادانه‌ی ما به مبلغان وابسته‌ای است که دین مسیحیت را به عنوان حربه‌ای برای استعمار و بهره‌برداری ظالمانه به کار می‌برند و در راستای اهداف استکباری و استعماری و همگام با آنان، به تبلیغ و ترویج گسترده، می‌پردازند و با استفاده از ابزارهای ناپاکی هم‌چون افتراء، تهمت، دروغ‌پردازی و مخدوش جلوه دادن تعالیم اسلام، سعی در دستیابی به اهداف خود داشته و دارند و از این رو از به کارگیری هیچ وسیله‌ای چشم‌پوشی نمی‌کنند و از تمام وسایل و مناسبت‌ها برای انحراف افکار از حقیقت، استفاده می‌کنند.

سالیان دراز است که ادیان توحیدی با هدف گسترش معنویت و عدالت در میان جوامع بشری رشد و توسعه یافته‌اند. پروردگار متعال با تکیه بر بار امانتی که بر دوش بشر نهاد، در سراسر تاریخ تکامل حیات، او را تنها نگذاشته و با ارسال رسولان به هدایت تشریحی آنان اقدام نموده است.

ادیان الهی؛ قوانین و فرامینی هستند که پیوسته و در طول سالیان متمادی از جانب پروردگار متعال به منظور هدایت و راهنمایی انسان‌ها، بر پیامبران الهی نازل می‌شد تا آن‌که این سیر تدریجی و تکاملی هدایت با توجه به رشد فکری و اجتماعی بشر، و با ظهور پیامبر اسلام (ص) تکمیل گشت و حجت بر آدمیان، تمام شد و از آن پس ختم نبوت نوید داده شد. معجزه‌ی جاوید و همیشگی پیامبر خاتم (ص) یعنی قرآن کریم در ابعاد مختلف، بیانگر اعجاز و خاتمیت بوده و هست. آن حضرت به همراه یاران باوفایش در سراسر عمر پر برکت خود به تبلیغ عالمانه‌ی اسلام و نشر پیام مودت و دوستی آن به سراسر جهان مبادرت ورزید. تغییرات ژرف و غیر قابل انکار و غیر قابل تصویری که در جامعه‌ی اعراب در آن زمان، رخ داد، همه دلائلی آشکار بر دعوت الهی و حقانیت راه نورانی رسول خاتم (ص) بود.

لذا برای گسترش و عالم‌گیری این پیام، رسول اعظم (ص) در زمان حیات خویش با ارسال نامه به پادشاهان و قدرت‌های زمانه، آن‌ها را دعوت به پذیرش دین خدا و پیروی از فرمان‌های الهی نمود.

در این راستا زمینه‌های تبلیغ دین با تکیه بر نمادهای الهی و معنوی آن، صورت می‌گرفت. تلاش‌های بی‌دریغ و دلسوزانه‌ی رسول اعظم (ص) و بیان سراسر معرفت و مبتنی بر فطرت و عدالت او که در رفتار و عملش نیز متجلی بود، تمام غیر معتقدان و بت‌پرستان و حتی دشمنان سرسخت او را تحت تأثیر گذارده و پیروان زیادی را به دین مبین اسلام جلب نمود و این آیین الهی، گسترش یافت. پس از وفات رسول اکرم (ص) تا اواخر حکومت عباسیان اسلام به چنان شکوهی رسید که قسمت‌هایی از اروپا و آفریقا را نیز درنوردید، به گونه‌ای که امروزه بخش قابل توجهی از جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند.

طی قرون اخیر آن چه که قاعده‌ی رشد و توسعه‌ی ادیان الهی در میان جوامع مختلف بشری بوده است، سیر تدریجی و طبیعی گسترش ادیان الهی به موازات فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری مبلغان هر یک از ادیان می‌باشد. مبلغان مسلمان، میسیونرهای مسیحی و سایر فرق و مذاهب دنیا همواره فعالانه و با تلاش و ممارست به گسترش و بسط کیش خود اقدام می‌نمایند. تبلیغ و تبشیر ادیان الهی، به خصوص مسیحیت طی تاریخ و ادوار گذشته به واسطه‌ی روش‌های نادرست و اعمال سخت‌گیری‌ها و کارکرد نادرست اربابان کلیسا به گونه‌ای انجام می‌گرفت که رشد آن تقریباً ناملموس و غیر آشکار بود. اما در دورانی که در آن زندگی می‌کنیم اقداماتی نیت‌مندانه و تلاش‌هایی آشکار برای رقابت در عرصه‌ی دین و ابزار قرار دادن آن در عرصه‌ی سیاسی دیده می‌شود.

مبلغان مسیحی در سراسر جهان با تکیه بر هزینه‌های گزاف و مبالغه‌نگفتی که از بودجه‌ی سالانه‌ی دولت‌ها بدان اختصاص می‌یابد به گسترش مسیحیت وابسته و تبلیغ آن مبادرت می‌ورزند. در سال‌های اخیر، جهان شاهد رشد ده چندان این مبلغان برای مسیحی کردن جهان و گسترش آیین مسیح است.

در دوران گذشته تبلیغ و پیام‌رسانی ادیان به صورت محدود و کند انجام می‌گرفت و انسان‌ها در برابر طوفانی از تبلیغات گوناگون ادیان، به خصوص؛ مسیحیت، قرار نداشتند، اگرچه حکومت‌های غربی، آیین مسیحیت را بهانه‌ای برای بقاء و نزاع خود در روابط بین‌الملل نموده و هم‌چون مرکبی راهوار از آن استفاده می‌نمودند، اما در دوران کنونی با توجه به عصر انفجار اطلاعات و فراگیری غیرقابل تصور رشد، گستره‌ی نفوذ رسانه‌ها، تبلیغ و پیام‌رسانی دینی، رنگی دیگر به خود گرفته است. به‌ویژه آن‌گاه که این تبلیغات از حریم تعقل و عشق به انسان خارج گشته و ابزاری برای ایجاد سلطه و نفوذ در کشورها و فرهنگ‌های سایر ملل قرار می‌گیرد. فعالیت‌های چندجانبه و کوشش مبلغان مسیحی این بار هدف اصلی خود را نه فقط کشورهای لائیک و بی‌دین جهان، بلکه مردم صاحب کتاب به ویژه مسلمانان قرار داده است.

آن چه امروز بر همگان آشکار شده، فعالیت‌های تبلیغی مبلغین مسیحی در کشورهای اسلامی نظیر؛ عراق، الجزایر، اردن، لبنان و کشورهای آفریقایی برای تغییر نگرش آنهاست که خود علاوه بر اثرات اعتقادی، بر ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... جوامع نیز اثرگذار خواهد بود. استفاده از ابزارهایی نظیر تطمیع، کمک‌های مالی و قول به همکاری برای مهاجرت به کشورهای دیگر از جمله روش‌هایی است که این مبلغین دینی برای رسیدن به مقاصد خود به کار می‌گیرند و راه را بر روی هرگونه استدلال منطقی و آزاداندیشی بسته‌اند.

یورش مسیحیت به اسلام چنان واضح و آشکار است که پاپ در سفر به جمهوری آذربایجان با صراحت اعلام کرد «در هزاره‌ی اول اروپا و در هزاره‌ی دوم آفریقا را به جمع خود افزودیم. اکنون در هزاره‌ی سوم آسیا را با مسیحیت آشنا خواهیم کرد.»<sup>۱</sup> و مسیحیت صهیونیسم یکی از جدی‌ترین و قوی‌ترین جریانات تبشیری مسیحیت است.

سعی کرده‌ایم به طور خلاصه و مستند اطلاعات مفیدی را در این خصوص، ارائه دهیم. باشد که نام ما در لیست سربازان گمنام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد و شما خواننده‌ی گرامی و فهیم بیشتر به فکر تربیت و مراقبت دینی خانواده و اطرافیان خود باشید.

## مسیحیت چیست و مسیحیان کیستند؟

مسیحیان کسانی‌اند که از مسیحیت پیروی می‌کنند و مسیحیت، دینی است که به عیسی مسیح علیه‌السلام منسوب است و مانند هر دین دیگری، مشخصه‌هایی دارد؛ مثلاً عیسی مسیح، پسر خدا یا تجسد واقعی خالق هستی است که عدالت، آسایش و الگوی خوب زیستن را برای بشریت به ارمغان آورد. او آمد تا فقیران را بشارت، اسیران را رستگاری، کوران را بینایی، سرکوب شوندگان را آزادی دهد. از این رو، عیسی مسیح علیه‌السلام، محوری‌ترین عنصر مسیحیت به شمار می‌آید؛ اگر چه در این که آیا باید او را پرستید یا تنها گرامی‌اش داشت و از او اطاعت نمود یا فقط او را تحسین کرد و ... اختلافاتی وجود دارد؛ ولی همه مسیحیان متفقند، ایمانی که از آن دم می‌زنند، بدون عیسی مسیح، بی‌معناست و نیز عقیده دارند که عیسی به دلیل مخالفت با دستگاه سیاسی روم، دستگیر و مصلوب شد؛ اما او زنده است و روزی باز می‌آید. آنان کریسمس (روز تولد مسیح)، جمعه مقدس یا روز به صلیب رفتن عیسی، عید پاک یا هنگامه رستاخیز مسیح و جشن بارداری پاک مریم را گرامی می‌دارند و کتاب عهد قدیم (تورات) و جدید (انجیل) و نیز رساله پولس و چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا را به عنوان حجت دینی پذیرفته‌اند.<sup>۲</sup>

مسیحیت به سه شاخه کاملاً جدا و مخالف یکدیگر، یعنی کاتولیک (جنوب اروپا و آمریکای لاتین)، ارتدکس (اروپای شرقی) و پروتستان (شمال اروپا و آمریکا) تقسیم یافته است. پروتستان، بر پایه اندیشه مارتین لوتر آلمانی و ژان کالون انگلیسی شکل گرفته و طی پنج قرن گذشته، در نزاع با کاتولیک‌ها به سر برده و نمونه زنده این جدال، ایرلند شمالی است. از دیگر ویژگی‌های پروتستان، رابطه بسیار نزدیک آنها با دولت‌هاست؛ تا حدی که در انگلیس، ملکه الیزابت، در رأس دولت و کلیسا قرار دارد.<sup>۳</sup>

## صهیونیسم

صهیون دارای چهار معنای لغوی، جغرافیایی، دینی و سیاسی است؛ صهیون در عبری، به معنای پُر آفتاب و نیز نام کوهی در جنوب غربی بیت‌المقدس است که زادگاه داود نبی و جایگاه سلیمان پیامبر بود؛ البته، گاهی این واژه نزد یهودیان به معنای شهر قدس، شهر برگزیده خداوند و شهر مقدس آسمانی به کار می‌رود و به طور اعم، به سرزمین مقدس، صهیون گفته می‌شود؛ ولی در متون دینی یهود، صهیون، اشاره به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داود و سلیمان و تجدید دولت یهود دارد.<sup>۴</sup>

## صهیونیسم دینی و فرهنگی

پیروان این اندیشه، گروهی یهودی‌اند (صهیونیست یهودی) و شماری عیسوی‌اند (صهیونیست مسیحی) و در عوض، صهیونیسم که منسوب به صهیون و مشتق از آن است، به نهضتی گفته می‌شود که خواهان مهاجرت و بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین (ارض موعود) و تشکیل دولت یهود است. در این نوع از صهیونیسم که آن را صهیونیسم لاتیک می‌نامند، کسانی جای دارند که با تکیه بر استدلال‌های تاریخی، سیاسی و علمی، بر اسکان یهودیان در فلسطین مشروعیت می‌بخشند.

واژه صهیونیسم، نخستین بار توسط تئودور هرتزل به کار رفت و بعد ناحوم ساکولو، مورخ صهیونیستی، آن را در کتاب تاریخ صهیونیسم به کار برد. ۵

صهیونیسم مسیحی را با عبارت "حمایت مسیحیان از صهیونیسم" تعریف می‌کنند، البته گفته شده که یک جنبش قومی است که برای بازگشت ملت یهود به فلسطین و حاکمیت‌شان بر زمین تلاش می‌کند. صهیونیست‌های مسیحی خود را مدافع ملت یهود، به ویژه "دولت اسرائیل" می‌دانند. ضمناً حمایتی که از آن سخن گفتیم، شامل مخالفت و دشمنی با تمام کسانی می‌شود که از اسرائیل انتقاد می‌کنند.

"والتر ریگنز"، دبیر کل "سفارت بین‌المللی مسیحیت" که یکی از مدرن‌ترین و خطرناک‌ترین نهادهای صهیونیستی است و مرکز آن در قدس قرار دارد، به شیوه‌ای سیاسی به تعریف اصطلاح صهیونیسم مسیحی می‌پردازد و می‌گوید: "این واژه بر هر مسیحی که از اهداف صهیونیستی حکومت، ارتش، دولت و فرهنگ اسرائیل حمایت می‌کند، اطلاق می‌شود."

گری فالویل از کشیش‌های مسیحی و بنیان‌گذار جمعیت فعالیت‌های سیاسی اصول‌گرایانه موسوم به "اکثریت اخلاقی" که سال‌هاست دین اسلام را به تروریستی بودن متهم می‌کند، می‌گوید: "هر کس که به کتاب مقدس ایمان داشته باشد، می‌بیند که مسیحیت و دولت جدید اسرائیل پیوندی جدانشدنی دارند. بی‌گمان تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ - در نگاه هر مسیحی که به کتاب مقدس ایمان دارد، تحقق پیش‌گویی‌های موجود در دو کتاب عهد قدیم و جدید است."

اندکی بعد به این مسئله خواهیم پرداخت. باید خاطرنشان کرد بر اساس بیانیه کمیته اجرایی شورای کلیساهای خاورمیانه که در آوریل سال ۱۹۸۶ صادر شد، صهیونیسم مسیحی عبارت است از یک تراژدی و فاجعه در استفاده از کتاب مقدس، سوء استفاده از احساسات دینی در راستای تلاش برای تقدس بخشیدن به جریان تأسیس یک دولت و گسترش سیاست‌های یک حکومت خاص. پس صهیونیسم مسیحی هیچ جایگاهی در خاورمیانه ندارد و باید از سوی کلیسای بین‌المللی نیز طرد شود. صهیونیسم مسیحی در واقع انحراف از ایمان حقیقی به مسیحیت و دفاع از برنامه‌های سیاسی و قومی خاصی است که یهود را نژاد برتر می‌داند. یکی از رهبران کلیسای انجیلی می‌گوید: "آنها هیچ توجهی به مسیح ندارند."

یک کشیش فلسطینی درباره صهیونیست‌های مسیحی می‌گوید: "آنها تنها ابزار ویران‌گری و تخریب هستند و به هیچ وجه اهمیتی به مسیحیان اصیل فلسطین نمی‌دهند." ۶

## تاریخچه

صهیونیسم مسیحی یک ایدئولوژی دینی سیاسی تقریباً جدیدی است که ریشه‌هایش را باید در قرن اول ظهور مسیحیت و در یک جریان دینی موسوم به هزاره (Millenarianism) جستجو کرد.

هزاره یک اعتقاد دینی است که در محافل مسیحی که اصالتی یهودی داشتند، مجال ظهور یافت. "هزاره" نشأت گرفته از یک باور یهودی به نام "المشیحیا" و تفسیر لفظی آن چیزی است که در سفر رویای یوحنا - ۳/۲۰ - ۶ و با این مضمون آمده است: "حضرت مسیح به این دنیا بر می‌گردد در حالی که قدیس‌ها در اطراف او حلقه زده‌اند تا اینکه هزار سال بر روی زمین حکومت کند." شاید ادعای نبوت مونتائوس در سال ۱۷۲، تعبیری آشکار از نتایج عملی جنبش هزاره باشد.

مونتائوس معتقد بود که حیات معنوی و اخلاقی مردان کلیسا به خاطر تأثیر جهان فاسد اطراف، رو به انحطاط گذارده است و از همین رو، برای آنکه آن را به عصور اولیه مسیحیت باز گردانند، مدعی شد پیامبر جدیدی است که خداوند مبعوث کرده است. بعد از آن نیز نوید حضور در اورشلیم، ظهور حضرت مسیح در "آسیای صغیر" و تاسیس دولتی با دوام هزار ساله را به مردم داد. جنبش هزاره فراز و نشیب زیادی را طی کرد. مومنان به هزاره در قرون وسطی، اندیشه‌های مسیحی را که به دور از ایمان حقیقی بود، برای خود انتخاب کردند و موضعی مخالف را در مقابل کلیسای رم، پاپ اعظم و کاتولیک‌ها برگزیدند و از پایان قرن یازدهم تعداد زیادی از این مومنان به هزاره تحت لوای حملات صلیبی حاضر شدند؛ ولی تا قرن هفدهم، جنبش هزاره که معتقد به بازگشت دوباره مسیح و حکومت هزار ساله‌اش بر روی زمین بود، هیچ صبغه یهودی که به بازگشت یهودیان به فلسطین تأکید داشته باشد، نداشت. ۷

## هزاره‌گرایی

هزاره‌گرایی یکی از مسائل مهم در تاریخ و حوادث مربوط به آن بوده است. این تفکر بر این اساس استوار است که در ابتدای هر هزاره اتفاق مهمی رخ خواهد داد. «مجدد الف سنه» یکی از مهم‌ترین آثار مسلمانان در این باره می باشد. مسیحیان نیز به این تفکر معتقدند. آن‌ها می‌گویند جنگ آرماگدون در ابتدای هزاره سوم (یعنی تا سال ۲۰۲۶) رخ خواهد داد. ۸.

به نظر "هزاره باورها"، نابودی جهان به هیچ‌وجه باعث نگرانی نیست چرا که بستر را برای ظهور دوباره مسیح آماده می‌کند، ولی قبل از ظهور ایشان برخی حوادث باید رخ دهد که نشانه آخرالزمان به شمار می‌رود. از آن جمله بازگشت یهودیان، شکل‌گیری مجدد دولت "اسرائیل"، ظهور مسیح دجال و به راه افتادن موجی از خشونت و درگیری در جهان است.

به نظر جماعت مذکور، تمامی این مسائل با جنگ "آرماگدون" به اوج خود می‌رسد. آرماگدون روستایی است که نام آن در سفر رویای یوحنا آمده است. در این روستا که در شمال قدس قرار دارد، جنگ میان حق و باطل که شمار زیادی از ملت‌ها نیز در آن شرکت خواهند کرد، در خواهد گرفت و در لحظه‌ای که جهان در آستانه نابودی است، حضرت مسیح ظهور خواهد کرد. توضیحات تفصیلی زیادی در مورد این حادثه وجود دارد که فرصت ذکر آن در این مجال نیست. نکته مهمی که در این میان وجود دارد، آن است که از سلاح هسته‌ای به عنوان ابزاری برای تحقیق مقاصد الهی یاد می‌شود و با توجه به اینکه هزاره‌باوران، خاورمیانه را عرصه جنگ آخرالزمان می‌دانند، تمایل برای تفسیر حوادث جاری در سیاست از نقطه نظر "پایان جهان" امری مشروع و بلکه ضروری است. ۹.

## مسیحیت یهودی

نهضت اصلاح دینی، با لوتر و آرای اعتقادی جدید او آغاز شد. وی پیش از آغاز نهضت، تحت تأثیر عمیق آموزه‌های عبرانی بوده و از این رو، بخشی از اصلاح دین مسیحیت را بر آن استوار ساخت؛ از جمله: رویکرد به بهشت دنیوی یهودی، به جای آخرت‌گرایی کاتولیکی نشست. ربا که در مسیحیت کاتولیک تحریم و در یهودیت مجاز بود، در پروتستان هم مجاز شناخته شد. به علاوه، بزرگ‌داشت و برتر شمردن قوم یهود و تعلق سرزمین‌های فلسطینی یا ارض موعود به این قوم، از دیگر مشخصه‌های به عاریت گرفته‌ی لوتری‌ها از عهد عتیق به شمار می‌آید.

لوتر در ستایش و تمجید از قوم برگزیده خدا! به اندازه‌ای پیش رفت که شبهه یهودی بودن او مطرح گردید. انتشار کتابی از او به نام «مسیح، یک یهودی‌زاده» (چاپ ۱۵۲۳) که در آن یهودیان را خویشاوندان (برادران و پسرعموهای) عیسی مسیح می‌داند و از کاتولیک‌ها می‌خواهد اگر از این که او را کافر بنامند، خسته شده‌اند، بهتر است وی را یهودی بخوانند، این شبهه را بیش از پیش دامن زد و سبب گردید که برخی، پروتستانیسم را مسیحیتی بدانند که بر بنیادها و شالوده‌های یهودی شکل گرفته و شاید از این نظر، بتوان به نحوی پیدایی «مسیحیت یهودی» را توضیح داد.

خاخام آبراهام لوی در تأیید چنین نگرشی می‌گوید: «لوتر در لایه‌های پنهان یهودیت تلاش می‌کرد، تا آرام آرام مسیحیان را به انعطاف وا دارد.» البته، اقدام لوتر در نوشتن مطالبی علیه یهودیان، در سال‌های پایانی عمرش، تنها توانست اندکی از این شبهه را از لوتری‌ها دور سازد؛ در حالی که یهودیان از مجموعه اقدامات یهودگرایی لوتر خرسند بودند و از این رو، به دفاع از نهضت اصلاح دینی پرداختند؛ نتیجه آنکه پروتستان دشمن دیرینه‌ی یهودیان یعنی کلیسای کاتولیک را از اریکه‌ی قدرت مذهبی به زیر کشید. ۱۰

پس از لوتر، پروتستانیسم به سه دسته کلی تقسیم شد:

۱- پروتستانیسم سنتی (Mainline Protestants): این دسته از پروتستان‌ها معتقد به رفتار مهربانانه با سایرین هستند و از بقیه پروتستان‌ها تعصب کمتری دارند. مهم‌ترین دسته‌های موجود میان آن‌ها مسیحایی‌ها، متدویست‌ها (یا مکتبی‌ها)، لوتری‌ها، کلیسای اصلاح طلب، اسقفی‌ها و ... هستند.

۲- انجیلی‌ها (Evangelicals): افرادی با احساس، از لحاظ مذهبی متعصب و متمایل به روش‌های نوین تفکر و اندیشیدن هستند.

۳- بنیادگرایان (Fundamentalists): این افراد نیز در اعتقادات خود متعصب‌اند و تفکراتی بسیار نزدیک به یهودیان صهیونیست دارند. این گروه را در این نوشته مسیحیان صهیونیست می‌نامیم. فعالیت عمده این گروه پس از جنگ جهانی دوم مشهود شد. رویکرد کلی این گروه در سیاست‌های امریکا بسیار موثر است.

چهار رویکرد مهم این فرقه (که سه تای اولی در سیاست‌های امریکا کاملاً مشهود است) عبارتند از:

۱- احساس برگزیدگی الهی: آن‌ها معتقدند خداوند آنها را برگزیده تا همه انسان‌ها را نجات دهند و راه نجات آن‌ها از بلایای آخرالزمان پیروی از مسیحیت است. بوش در سخنان خود در این باره می‌گوید: «ایالات متحده فراخوانده شده تا آزادی را که یکی از مواهب الهی است، به تمام مخلوقات در سراسر جهان ارزانی کند».

۲- احساس عمیق نسبت به اینکه اکنون جهان در آستانه آخرالزمان است: از سال ۱۹۱۶ رؤسای جمهور امریکا با این مفهوم آشنا و بدان معتقد شدند. اولین رئیس جمهوری که به این مفهوم ایمان آورد، «ویلسون» بود. رؤسای جمهور دیگر نیز به صورت جدی این امر را دنبال می‌کردند. معروف است که می‌گویند آرزوی ریگان آغاز جنگ آرماگدون به دست او بوده است.

۳- اقلیم‌گرایی جنوبی میان مذهب محافظه‌کار و سیاست محافظه‌کار.

۴- تنها راه فهم و درک کامل و مطلق در بنیادگرایی است و سایرین در این باره در اشتباه‌اند. ۱۱

## صهیونیسم مسیحی

حدود صد سال پس از لوتر، فرقه پوریتن کالونی، بیش از دیگران در گسترش و نهادینه‌سازی آموزه‌های توراتی نقش آفرید. این فرقه‌ی پروتستانی که هنجارهای اخلاقی آن منطبق با تورات بود، به عنوان یهودگری انگلیسی شناخته می‌شد و با سرنگونی پادشاه انگلیس توسط کرامول، در این کشور قدرت و قوت گرفت و در آن زمان بود که اعلام کردند: حضور یهودیان در فلسطین، مقدمه‌ی دومین ظهور مسیح است. وابستگی پوریتن‌ها به یهودیت به حدی رسید که از تمامی مذاهب پروتستانی پیشی یافت، لذا از انتخاب نام‌های یهودی چون: ساموئل، آموس، سارا و جودیت بر فرزندان‌شان، نباید تعجب کرد.

پوریتن‌های انگلیسی اعتقاد داشتند که قبل از بازگشت مجدد مسیح، باید یهودیان به سرزمین‌های مقدس باز گردند و در این راه، انگلیس اولین کشوری خواهد بود که یهودیان را به سرزمین‌های ابراهیم، اسحاق و یعقوب انتقال خواهد داد. عقاید پوریتن‌ها، پس از گسترش بی‌مانندش در انگلیس، به آمریکا هم راه یافت و نقشی ویژه در تأسیس آمریکا بازی کرد و نزدیک بود که به این دلیل، نام آمریکا را از «نیوانگلند» به «نیواسرائیل» تبدیل کنند. پس از آن، افکار پوریتنی، چه آمریکایی و چه انگلیسی که تا عرصه‌های قدرت سیاسی و نیز مذهبی گسترده شد، نقشی مهمی در پیدایش صهیونیسم ایفا کرد؛ از جمله :

۱- کتاب دو سفر به قدس، نوشته‌ی ناتانیل کروچ مسیحی (چاپ ۱۷۰۴) یکی از نمونه‌های مهم در بسترسازی صهیونیسم قبل از هر متصل است، او تنها راه تبدیل سرزمین مقدس (فلسطین) از وضعیت بیابانی و بی‌علفی به سرزمین شیر و عسل وعده شده‌ی توراتی را، باز پس‌گیری آن توسط یهودیان می‌دانست .

۲- لرد شاه فیتسبری از رجال انگلیسی در ۱۸۳۹ نوشت: زمان انتظار دومین ظهور مسیح، تنها وقتی به پایان می‌رسد که یهودیان در فلسطین گرد هم آیند. شافتسبری در پایه‌ی این استدلال که هر ملت باید دارای وطن باشد و سرزمین کهن از آن ملت کهن است، مشوق نظری و عملی مهاجرت یهودیان به فلسطین گردید .

۳- ویلیام بلاکستون که به پدر صهیونیسم مسیحی آمریکا مشهور است، در اواخر قرن نوزده میلادی بر آن بود که اگر سالی در فلسطین کشور صهیونیستی اسرائیل تأسیس گردد، مسیح دوباره ظهور خواهد کرد. قبل از این، وی از دولت آمریکا خواسته بود که دولت اسرائیل را در فلسطین تشکیل دهد .

۴- در همین دوره، چهره‌ی مشهور دیگر صهیونیسم مسیحی، سایروس اسکوفیلد آمریکایی است که با نگارشی تفسیر عهد عتیق (انجیل آخرالزمان) بر پایه‌ی افکار جدید کیش جان داربی انگلیسی، بر افکار پوریتن‌ها تأکید ورزید. این کتاب معتبرترین تفسیر و بهترین مرجع برای انجیل شناخته می‌شود .

۵- با چاپ کتاب دولت یهودی در ۱۸۹۴ و برگزاری کنگره بال (۱۸۹۷)، مسیحیان در جهت شکل بخشیدن به دولت یهودی، گام‌های مؤثری برداشتند. مانند: پیمان سایکس پیکو (۱۹۱۴) (اعلامیه بالفور (۱۹۱۷)، پیمان ورسا (۱۹۱۹)، قیموت بر فلسطین (۱۹۲۳) و طرح تقسیم فلسطین (۱۹۴۷).



## مسیحیت صهیونیستی

سال ۱۹۴۸ را باید نقطه‌ی آغازین قوام‌یابی اندیشه‌ی مسیحیت صهیونیستی دانست، به آن دلیل که دو پیش‌بینی آن یعنی: مهاجرت یهودیان به ارض موعود و تشکیل دولت یهودی توسط یهودیان مهاجر، تحقق یافت. پیروزی در جنگ‌های اعراب و اسرائیل، به ویژه جنگ ۱۹۶۷، ارزش‌های مذهبی مسیحیت صهیونیستی را بیش از پیش به صحنه آورد. موشه دایان - وزیر دفاع وقت اسرائیل - در همین سال گفت: «هر کس مذهبی نبود، امروز مذهبی شده است.» زیرا مرزهای اسرائیل با اشغال قدس ما با مرزهای ارض موعود، مطابقت بیشتری داشت و نیز زمینه‌ی دیگر ظهور مسیح را که تخریب مسجدالاقصی و قبه‌الصخره است را فراهم می‌آورد.

به علاوه، اشغال جنوب لبنان، باز مرزهای اسرائیل را به سوی اسرائیل بزرگ یا توراتی از نیل تا فرات، پیش‌تر کشاند.

البته در فاصله ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۲، جنبش مسیحیت صهیونیستی از یک سو از تأسیس و توسعه‌ی ارضی اسرائیل خرسند بود و از سوی دیگر، از این که دولت در تسلط غیرمذهبی‌های صهیونیست است، ناخرسند. تلاش این جنبش برای مسیحی صهیونیستی‌سازی دولت به دلیل پیروزی‌های نظامی دولت لائیک اسرائیل و حمایت آمریکا از آن ناکام ماند. لذا، این جنبش کوشید مسیحی صهیونیستی‌سازی را از پایین (جامعه) آغاز کند و با دولت به مخالفت و مجادله برنخیزد؛ چون به اعتقاد خاخام کوک: «همین دولت غیرمذهبی صهیونیستی، ابزار ناخودآگاه تحقق اراده‌ی مسیح موعود به شمار می‌آید.» به هر روی، جنبشی یهودی‌سازی از پایین در اسرائیل و مسیحی‌سازی از پایین در آمریکا، از وجوه مشترکی در فعالیت‌های مذهبی بهره دارند. آن‌ها شعار پارسایی شخصی و پای‌بندی به موازین اخلاقی را به میدان آوردند و جهت‌گیری‌های سیاسی اجتماعی مسیحیان و یهودیان غیربنیادگرای حاکم را زیر سؤال بردند و آن را به زیان رستگاری و تکاپوی اخروی و ظهور حضرت مسیح دانستند و آن‌ها را متهم می‌کردند که مسئولیت ابتدایی خود در تبلیغ کلام خداوند در عهد عتیق و عهد جدید را به کنار نهادند. هفته‌نامه‌ی تایم و نیوزویک، سال ۱۹۷۶ را سال مسیحیان و یهودیان بنیادگرا یا مسیحیت صهیونیستی نامیدند؛ زیرا مطبوعات به اهمیت این پدیده پی بردند و به علاوه، پس از طی یک دوره تجدد حیات اخلاقی و بلوغ اخلاقی، خود را آماده‌ی ورود به سیاست می‌کردند.

## پسامسیحیت صهیونیستی

از سال ۱۹۸۲ به بعد، آغاز دوره‌ای است که می‌توان آن را «پسامسیحیت صهیونیستی» نامید. به آن دلیل که مسیحیت صهیونیستی، هم در آمریکا و هم در اسرائیل به قدرت دست یافت و از یک جنبش مذهبی به یک حزب سیاسی حاکم تبدیل شد و کار یهودی و مسیحی‌سازی از بالا (حکومت) را آغاز کرد. مسیحیت صهیونیستی در این دوره، دو مرحله را سپری کرده است.

## مرحله‌ی اول

در دوره‌ی نخست، کارتر و بیگن با برپایی کمپ دیوید به آرمان‌های این جنبش خیانت کردند. در پی آن، عقب‌نشینی از صحرای سینا پیش آمد و این با هدف باز یافتن راه رستگاری و با فرارسیدن قلمرو توراتی اسرائیل مغایرت داشت. به بیان دیگر، به قدرت رسیدن جیمی کارتر انجیل‌گرا (۱۹۷۶)، نقطه‌ی آغاز مرحله‌ی ورود مسیحیان صهیونیست به سیاست است و مناخیم بیگن هم در ۱۹۷۷ از حزب لیکود به قدرت رسید، ولی آن‌دو با برپا ساختن کمپ دیوید، آرمان‌های جنبش، اندیشه و نظریه‌ی

مسیحیت صهیونیستی را موقتاً نادیده گرفتند، اما با انتخاب رونالد ریگان و اسحاق شامیر، فضای عمومی و سیاسی، بیش از گذشته در اختیار مسیحیان صهیونیست آمریکایی و اسرائیلی قرار گرفت. شاید از این رو ریگان، ۱۹۸۳ را سال کتاب مقدس نامید.

## مرحله‌ی دوم :

آنچه پروژه‌ی قدرت‌یابی مسیحیت صهیونیستی را کامل کرد، انتخاب شارون از لیکود (۲۰۰۱) و بوش از جمهوری خواه (۲۰۰۱) است. هم‌زمان با انتخاب آن دو، هال لیندسی در کتاب پر تیراژ ۲۵ میلیونی «پیشگویی‌های انجیل، جای آمریکا کجاست»، ثابت کرد که دولت آمریکا رهبری جنگ آرماگدون که پس از آن، مسیح در اسرائیل فرود می‌آید، را برعهده دارد. نوردونر - استاد دانشگاه شیکاگو و پروفیسور تاریخ خاور نزدیک - نیز از شدت شباهت دستورالعمل‌های پیش روی سیاست خارجی بوش و شارون، شگفت‌زده شده و با صراحت بیان می‌دارد که یک رابطه‌ی طبیعی در این میان و بین این دو وجود دارد. در حقیقت، گروه بنیادگرایان مسیحی بر هیأت حاکمه‌ی آمریکا تسلط یافته‌اند. اینان نه تنها عهده‌دار مناصب کلیدی در دولت بوش، بلکه تشکیل‌دهنده‌ی هسته و حلقه‌های مشاورانی‌اند که با شکل‌دادن به سیاست آمریکا و با تنظیم تأثیرگذارترین و مهم‌ترین روزنامه‌ها و نشریه‌های آمریکایی، علیه سقط جنین، هم‌جنس‌بازی، هرزه‌گری و مواد مخدر به مقابله پرداختند و به قدرت رسیدن بنیامین نتانیاهو در اسرائیل (۱۹۹۶) در مورد نحوه‌ی مقابله‌ی اسرائیل با اعراب و لزوم سرنگونی صدام، پیشنهادهایی به او دادند. بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که مسیحیت صهیونیستی نخست هدفش مبارزه با شر اجتماعی و از ۱۹۹۰ به بعد، علاوه بر آن، به مبارزه با شر بین‌المللی روی آورد. آوری‌آنروی، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی اسرائیلی با تأکید بر مطالب فوق می‌افزاید: «آمریکا جهان را تحت تأثیر قرار داده و یهودیان آمریکا را.» ۱۲

## صهیونیسم مسیحی در اروپا

در اروپا تاریخچه حمایت از یهود توسط مسیحیان، قدمتی طولانی دارد. جنبش بزرگ مسیحیت یهودی در اروپا از قرن ششم میلادی آغاز شده است تا قبل از این زمان دشمنی و عداوت بین یهودیان و مسیحیان بین همگان شهره بوده و کتاب‌های زیادی نیز در این زمینه نوشته شده است. کلیسای کاتولیک تأثیراتی در این زمینه نپذیرفت اما جنبش اصلاح‌طلبان پروتستان به رهبری مارتین لوتر که جداکننده و تقسیم‌کننده کلیسای غرب به دو بخش پروتستان و کاتولیک بود زمینه و شرایط تشکیل مسیحیت صهیونیسم را فراهم کرد او در کتاب‌های خود مسیحیت و یهودیت را از یک تبار و نژاد معرفی کرده است. بطور خلاصه می‌توان گفت جنبش پروتستان‌نویسم در سطح گسترده‌ای زمینه تحقق وعده‌های یهود و بازگشت به دوران عهد عتیق را فراهم کرد که این عمل آثار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در سطح و سراسر جهان را بوجود آورد.

در فرانسه نیز با اعلامیه ناپلئون، موجودیت مسیحیت صهیونیسم به رسمیت شناخته شد و فلسطین به عنوان وطن و پایگاه اصلی آنان معرفی گردید. اما هدف اصلی ناپلئون از این اعلام، پیوستن یهودیان به ارتش ناپلئون برای جنگ با شام بود بنابراین مسیحیت یهودی از زمان بناپارت در اروپا و خصوصاً بریتانیا طرفداران زیادی پیدا کرد.

در انگلستان نیز تا پایان دوره ویکتوریا جنب و جوش زیادی در زمینه مسیحیت یهودی بوجود آمد. در انگلستان فردی بنام لرد شافتسبری بعنوان اولین مسیحی صهیونیست معرفی شد ۱۳.

نخستین قراین تفسیر حرفی کتاب مقدس و پیوند دادن مطالب آن با سیاست و به ویژه تصور تشکیل دولت یهودی به عنوان تحقق پیش‌گویی‌های کتاب مقدس، در انگلیس در قرن ۱۷ مجال ظهور یافت. این تحول در عصر "پیوریتن‌ها" شکل فزاینده‌ای به خود گرفت، البته بعد از آنی که در عصر "الیزابتی" یک سیر قهقهه‌رایی را طی کرده بود. از جمله نشانه‌های پدیده‌ای که ذکر آن رفت، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- زبان عبری، به زبان نماز در کلیسا مبدل شد.

- روز یادبود قیام حضرت مسیح از روز یک شنبه به روز شنبه (یهودیان) انتقال یافت.

- برخی از "پیوریتن‌ها" از دولت خواستند که تورات یعنی عهد قدیم را به عنوان قانون اساسی انگلستان قرار دهد.

- در سال ۱۵۸۸ یک عالم دینی انگلیس با نام "بریتمان"، به منظور تحقق پیش‌گویی‌های کتاب مقدس، خواستار بازگشت یهودیان به فلسطین می‌شود.

- در سال ۱۶۱۵، یکی از اعضای پارلمان انگلستان به نام "سر هنری فینش" از دولت می‌واهد که از بازگشت یهودیان به فلسطین حمایت کند و چنین می‌نویسد: "یهودیان یک اقلیت پراکنده نیستند، آنها یک امت‌اند و امت یهود به میهن خود باز خواهد گشت و تمامی اکناف زمین را آباد و تا ابد، به سلامت در سرزمین خود زندگی خواهند کرد".

پایه‌های دینی، سیاسی و ایدئولوژیکی صهیونیسم مسیحی در انگلستان را "اولیور کرمویل" بنیان گذاشت.

او به مدت ده سال (۱۶۴۹ - ۱۶۵۹) ریاست انجمن "پیوریتن‌ها" را به عهده داشت و همان فردی بود که خواستار تشکیل کنفرانسی در سال ۱۶۵۵ برای وضع قانون بازگشت یهودیان به انگلستان و لغو قانون شاه ادوارد مبنی بر تبعید یهودیان از این کشور شد. در این کنفرانس، صهیونیسم مسیحی با منافع استراتژیک انگلستان گره خورد و "کرامویل" نیز از همان زمان، توجه زیادی به طرح اسکان یهودیان در فلسطین داشت.

با آغاز قرن ۱۹، یک کشیش مسیحی به نام "لوئیس وای" مجال ظهور یافت که در سال ۱۸۰۹ مدیریت انجمن انگلیسی "ترویج مسیحیت در میان یهودیان" را به عهده گرفت. این انجمن با تلاش‌هایش به یک قدرت بزرگ در گسترش عقاید صهیونیسم مسیحی از جمله بازگشت یهودیان به فلسطین بدل شد.

"هنری دارموند" از اعضای مجلس سنای انگلستان، شخصیت مهم دیگری بود که در انتشار اندیشه صهیونیسم مسیحی در این کشور نقش بسزایی را ایفا می‌کرد. "دارموند" پس از سفر به سرزمین مقدس (فلسطین) فعالیت‌های سیاسی خود را کنار گذاشت و تمام زندگی خود را وقف آموزش اصول‌گرایی مسیحی و نوشتن در مورد این اصول‌گرایی و پیوندش با بازگشت یهودیان به فلسطین کرد. "لرد شافتسبوری" (۱۸۱۸ - ۱۸۸۵) یکی از بزرگ‌ترین مصلحان اجتماعی انگلستان بود. او یکی از معتقدان تندرو به هزاره و از جمله افرادی بود که برای بازگشت یهودیان به فلسطین تلاش می‌کرد. دیدگاهش نسبت به یهودیان تا حد زیادی بر اساس کینه و نفرت بود و ترجیح می‌داد که آنها را به جای انگلستان، در فلسطین ببیند.

از جمله صهیونیست‌های مسیحی انگلیس که بیشترین نقش را در سیاست داشت، کشیش "ویلیام هشر" بود. او در سفارت انگلستان در وین خدمت می‌کرد و کسی بود که برنامه کوچاندن یهودیان روسیه به فلسطین را تدارک دید. وی در سال ۱۸۹۴، کتابی را با عنوان "بازگشت یهودیان به فلسطین" نگاشت و مسئله بازگشت را بر اساس اصل تحقق پیش‌گویی‌های موجود در کتاب عهد قدیم مورد بررسی قرار داد. از همه مهم‌تر اینکه "ویلیام هشر" از پیروان و هواداران پدر صهیونیسم - تئودور هرتزل - بود و در مراحل حساس، او را مورد حمایت سیاسی خود قرار می‌داد. هشر که خود یکی از اعضای لابی در انگلستان بود، در مدتی قریب به سی سال، از تمامی تلاش خود برای حمایت از صهیونیسم استفاده کرد.

در پایان باید نام "لرد آرتور بالفور" را ذکر نمود. کسی که در سال ۱۹۱۷ وعده تشکیل یک میهن ملی را به یهودیان داد. بالفور یکی از هزاره‌باورها و از جمله صهیونیست‌های مسیحی انگلستان بود و دیدارهایی شبه پیوسته با "هرتزل" و "وایزمن" داشت. ۱۴

### صهیونیسم مسیحی در آمریکا

در قرن ۲۰، جریان صهیونیسم مسیحی به ایالات متحده انتقال یافت؛ به ویژه بعد از آنکه دولت اسرائیل شکل گرفت و برخی آیات موجود در کتب دینی، با تفسیر سیاسی مستقیمی که از آن صورت می‌گرفت، در واقعیت تجلی یافت و باعث حمایت از این دولت شد.

صهیونیست‌های مسیحی آمریکایی به شکل بی‌نظیری، رسانه‌های گروهی را برای انتشار افکار، باورها و رویاهای‌شان به خدمت می‌گرفتند. اگر به عنوان نمونه، پایان جهان را به شیوه‌ای که صهیونیست‌های مسیحی تصور و تعریف می‌کنند، بررسی کنیم؛ می‌بینیم بازتابی از اشغالگری آمریکا در عراق، واکنش دولت کنونی آمریکا به حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به راه انداختن جنگی که به زعم خودشان علیه تروریست در جهان است، در آن دیده می‌شود. پایان جهان به شیوه آمریکایی - صهیونیستی، از نظر ظاهری با متون برخی اسفار عهد قدیم مانند "حزقیال" و "دانیال" و اسفار عهد جدید مانند سفر رویای یوحنا مطابقت دارد و مستند این اندیشه نیز همان متون است.

هواداران نظریه‌ی پایان جهان - به شیوه‌ی آمریکایی صهیونیستی - بر این باورند که جهان به آن شکلی که ما می‌شناسیم، در آستانه پایان یافتن است و بعد از آن یک هزاره جدید شروع می‌شود که بشر در آن با صلح، خیر و اخوت زندگی می‌کند و حتی صلح در جامعه حیوانات نیز جریان می‌یابد. به نظر هواداران این نظریه، جهان در آستانه‌ی نابودی است نه به خاطر دیوانگی یک ژنرال و یا یک سیاست‌مداری که جنگ هسته‌ای را به راه می‌اندازد، بلکه این خواست الهی است. ۱۵

در اوائل سال ۲۰۰۱ میلادی (۱۳۸۰ هـ. ش) کشیش آمریکایی به نام «هال لیندسی» ۱۶ که مبلغ این مکتب می‌باشد، کتابی با عنوان «در پیشگویی‌های انجیل، جای آمریکا کجاست» را تألیف نمود که یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های سال ۲۰۰۱ در آمریکا به شمار آمده است. در این کتاب نقش دولت ایالات متحده آمریکا در جنگ نهایی مقدس بیان شده است. نویسنده در این کتاب اثبات نموده است که دولت ایالات متحده آمریکا جنگ نهایی مقدس را رهبری خواهد نمود و مخالفان مسیح در سراسر جهان را که قبل از آغاز جنگ نهایی مقدس باعث ایجاد رعب و وحشت در جهان شده‌اند، شکست خواهد داد و در این جنگ مقدس، دولت انگلیس همکار آمریکا خواهد بود.

دولت امریکا در اوج زمان جنگ سرد علیه شوروی سابق، موشک‌های هسته‌ای قاره‌پیمای خود را «شمشیرهای جنگ مقدس» نامید. پیروان این مکتب در یک دهه گذشته تبلیغ نموده‌اند که عملیات توفان صحرا علیه عراق در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰ هـ. ش) فراهم کردن مقدمه برای جنگ نهایی مقدس بوده است. ۱۷.

گفته می‌شود «جورج بوش»، رئیس‌جمهور آمریکا، نیز یکی از مسیحیان صهیونیست است. او به طور مرتب در جلسات مطالعه و تفسیر کتاب مقدس شرکت می‌کند و آنرا یکی از آیین‌های مهم مذهبی می‌داند.

هم‌چنین تعدادی از همکاران و هم‌قطاران جرج بوش نیز عضوی از مسیحیان صهیونیست به شمار می‌آیند از آن جمله می‌توان «دونالد اوانس» دبیر بازرگانی را نام برد که به لحاظ نفوذ با «بیلی گراهام»، کشیش مسیحی صهیونیستی، (که در طول مبارزات انتخاباتی بوش در کنار او و در جلسات، مؤذنه می‌کرد)، برابری می‌کند. مسیحیان صهیونیست عقیده دارند براساس پیش‌گویی‌ها اشغال عراق پیش زمینه وقایع قبل از ظهور مسیح است.

آنان اعتقاد راسخی به پیش‌گویی‌های مطرح‌شده در کتاب «مکاشفات یوحنا» (عهد جدید) دارند. علی‌رغم متن بسیار مبهم و نمادین این پیش‌گویی‌ها در کتاب مقدس، فصل‌های مربوط به «عراق» بسیار واضح آمده است. در کتاب مقدس، عراق با نام «بابل» معرفی شده است. با وجود اینکه در طول تاریخ، عراق بارها مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته است، مسیحیان صهیونیست عقیده دارند که تصرف عراق توسط آمریکا با ظهور مجدد مسیح مرتبط است و طرح تقسیم عراق به سه ناحیه، احتمالاً با عبارت «و شهر بزرگ به سه قسم منقسم گشت...» منطبق است. حتی این گروه، لشکری از کشیشان صهیونیست را به عراق فرستاده‌اند تا مردم عراق را متقاعد کنند که تصرف کشورشان، امر محتوم الهی بوده است و در پیش‌گویی‌های کتاب مقدس به صراحت به آن اشاره شده و آنها باید آن را بپذیرند ۱۸.

## آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها؛ کراهت دوجانبه

نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد آن است که حمایت همه‌جانبه مسیحیان راست‌گرای آمریکایی از اسرائیل به معنای ایمان داشتن آنان به آئین یهودیت و احساس دوستی و مهربانی با ایشان نیست، راست‌گرایان مذهبی آمریکا معتقدند حضرت مسیح (ع) تمام یهودیانی را که به وی ایمان نیاورند خواهد کشت، راست‌گرایان مسیحی بدین خاطر از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند که آن را وسیله‌ای برای تحقق پیش‌گویی‌ها می‌دانند. لذا عجیب نیست رهبران یهود در آمریکا و رژیم صهیونیستی از ایمان به این پیش‌گویی‌ها نهایت استفاده را ببرند، یهودیان به اشکال مختلف از حمایت و تأیید آمریکا در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی به طور نامحدود برخوردارند. از آن جمله می‌توان به سفرهای گردشگران آمریکایی به اسرائیل، جمع‌آوری کمک‌های مالی و سیاسی دولت واشنگتن اشاره کرد.

در حقیقت باید گفت اعتقادات دینی راست‌گرایان آمریکایی خطری برای کشورهای اسلامی و عربی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد اندیشه‌های نظری و سیاسی این جریان ارتباط تنگاتنگی با آن اعتقاد دارد، مضافاً اینکه از اهمیت این اعتقادات و نقش آن در سیاست آمریکا به هیچ وجه کاسته نشده است. در اینجا مناسب است سخنی از «کریستول» پدر روحانی جریان راست‌گرایان مسیحی آمریکا به میان آید. او معتقد است اساس اندیشه‌ی راست مذهبی باید بر سه محور استوار باشد و آن عبارت از «دین، قومیت و رشد اقتصادی» است.

زیرا کریستول ایمان دارد دین، نیروی مهمی است که خصوصیات بشر را تشکیل می‌دهد و صفتهای دافع او را منظم می‌سازد. قومیت، ارتباط انسان با تاریخ و نقش اعتقادات وی را روشن می‌نماید، سپس کریستول، ملت آمریکا را ملتی اعتقادی توصیف کرده و اضافه می‌نماید رشد اقتصادی که در این کشور دیده می‌شود بخاطر پایبندی (مردم) به دستورات اخلاقی مذهب پروتستان است. مهم‌ترین و خطرناک‌ترین اعتقاد و ایمان «کریستول» این است که «آمریکا از آنچه که در جهان انجام می‌دهد چاره‌ای ندارد زیرا یکی از مسئولیت‌هایی است که بنا بر حکم جبر تاریخ بر آن تحمیل شده است، حتی اگر در این زمینه با شکست مواجه شود همان طوری که در جنگ ویتنام یا سومالی با آن روبرو شد» این اندیشه‌ها برجریان راست‌گرایان دینی در دولت آمریکا حاکمیت دارد ۱۹۵۹

## مهاجرت

رهبران دینی و سیاسی پروتستان در انگلستان و ایالات متحده آمریکا در حقیقت بانیان اصلی صهیونیسم هستند. بعد از این که «جان داربی» کشیش معروف کلیسای انگلستان نظریه صهیونیسم مسیحی را برای اولین بار به عنوان عملی نمودن خواسته‌های مسیح و تحقق پیشگویی‌های انجیل ترویج نمود، دو نفر از کشیشان برجسته پروتستان مقیم ایالات متحده آمریکا به نام‌های ویلیام بلاکستون ۲۰ و دی. ال. مودی ۲۱ مکتب نوظهور صهیونیسم مسیحی را در این کشور تبلیغ نمودند.

بلاکستون در دهه ۱۸۸۰ برای مهاجرت یهودیان از سراسر جهان به سرزمین فلسطین با رهبران سیاسی دینی و سرمایه‌داران بزرگ مسیحی در ایالات متحده آمریکا ملاقات کرد و آن‌ها را متقاعد نمود که از دولت ایالات متحده آمریکا بخواهند برای به وجود آوردن کشور صهیونیستی اسرائیل در فلسطین کوشش نماید.

در سال ۱۸۹۱ (۱۲۷۰ هـ. ش) ویلیام بلاکستون نامه‌ای را که بعدها به «نامه بلاکستون» معروف گردید تقدیم رئیس جمهوری وقت آمریکا بنجامین هاری سن ۲۲ نمود. در این نامه ۴۱۳ نفر از رهبران ارشد سیاسی و دینی و سرمایه‌داران بزرگ آن زمان در آمریکا از دولت خود درخواست نموده بودند که دولت آمریکا وظیفه الهی و ملی دارد در فلسطین کشوری برای یهودیان به وجود آورد و برای بازگشت یهودیان به فلسطین، دولت آمریکا باید به نهضت صهیونیسم کمک‌های مالی، سیاسی و نظامی ارائه نماید. این نامه را حتی کاردینال گیبین ۲۳؛ اسقف اعظم آن زمان کاتولیک‌های ایالات متحده آمریکا هم امضا کرده بود.

کشیش ویلیام بلاکستون به عنوان «پدر صهیونیسم مسیحی در ایالات متحده آمریکا» معروف گردید.

صهیونیسم یهودی بعد از این جریان قوت گرفت و آنها با ترغیب و حمایت رهبران سیاسی و دینی مسیحی از انگلستان و ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۹۷ میلادی به رهبری تیودور هرزل ۲۴ در شهر بال سوئیس اولین کنگره صهیونیست‌های یهودی را تشکیل دادند و اهداف خود برای به وجود آوردن کشور اسرائیل را در فلسطین اعلام کردند.

در سال ۱۹۰۸ م (۱۲۸۷ هـ. ش) بلاکستون کتابی با عنوان «مسیح می‌آید» را تألیف نمود. در این کتاب نویسنده به مسیحیان جهان وعده داده بود در سالی که در فلسطین کشور صهیونیستی اسرائیل تأسیس گردد، مسیح دوباره ظهور خواهد نمود. برای رسیدن به این هدف، دولت انگلستان با تهاجم‌های فرهنگی و نظامی خلافت عثمانی ترکیه را متلاشی نمود و در جنگ جهانی اول ارتش انگلستان سرزمین فلسطین را که جزء قلمرو خلافت عثمانی ترکیه بود تصرف کرد.

در سال ۱۹۱۷ م (۱۳۷۶ هـ . ش) هم آرتور بالفور وزیر امور خارجه وقت انگلستان در بیانیه معروف به بیانیه بالفور تعهد نمود که دولت انگلستان به یهودیان جهان برای مهاجرت به فلسطین کمک کند و در تشکیل کشور صهیونیستی اسرائیل در فلسطین فعالیت نماید ۲۵ بیشتر اصول گرایان مسیحی - اگر نگوییم همه‌ی آنها - به «قدرگرایی» ایمان دارند و تسلیم آن هستند. قدرگرایی از نظر آنان تلاشی است برای تفسیر تاریخ روابط خدا با بشر بر اساس دوره‌های مختلف "اس. ای. سکافیلد" از برجستگان این اندیشه می‌گوید: "هر قدری، دوره‌ای از زمان است که بشر در آن - بر اساس وحی خداوندی - مورد آزمایش قرار می‌گیرد".

بیشتر نظریه‌پردازان قدرگرایی بر این باورند که هفت قدر یا دوره زمانی وجود دارد که حکایت از تحول روابط خداوند با بشر است، به گونه‌ای که خداوند میزان اطاعت بشر را می‌آزماید. جهان در حال حاضر در دوره ششم یعنی دوره کلیسا و نعمت قرار دارد. دوره بعدی که حضرت مسیح باز می‌گردد و حکومت هزار ساله‌اش را تشکیل می‌دهد، دوره هفتم است .

این مذهب و تفکر مبتنی بر دو فرض است :

اولین فرض، جدایی میان "اسرائیل"؛ ملت یهود، ملت برگزیده خداوند بر روی زمین و کلیسا؛ ملت برگزیده خدا در آسمان است . دومین فرض، ضرورت تفسیر کتاب مقدس به شیوه‌ای حرفی و ظاهری است. با این دو فرض، می‌توان دو نتیجه زیر را گرفت :

۱-زمین ملک ملت یهود است .

۲-پیش‌گویی‌های مربوط به بازگشت یهودیان به سرزمین مقدس، برای دومین بار در دو قرن ۱۹ و ۲۰ صورت گرفته است .

## هفت مرحله در آخرالزمان

مسیحیان صهیونیست معتقد به هفت مرحله یا هفت مشیت الهی هستند که در آخرالزمان به وقوع می‌پیوندد. این مراحل عبارتند از:

۱-بازگشت یهودیان به فلسطین

۲-ایجاد دولت یهود

۳-موعظه شدن بنی اسرائیل و دیگر مردم دنیا به وسیله انجیل

۴-(حصول مرحله) وجد یا سرخوشی ۲۶ یعنی به بهشت رفتن کلیه کسانی که به کلیسا ایمان آورده‌اند .

۵-دوره ۷ ساله حکومت دجال (آنتی کراست - ضد مسیح) و فلاکت یهودیان و سایر مومنان (به اصطلاح آنان)

۶-وقوع جنگ آرماگدون: در این باره در ادامه توضیح خواهیم داد .

۷-شکست لشکریان دجال و حکومت مسیح به پایتختی قدس (اورشلیم). یهودیان در این دوره به مسیح ایمان می‌آورند. ۲۷

## آرماگدون ۲۸

مرحله ششم از مراحل هفت‌گانه آخرالزمان، جنگی همه‌گیر در جهان است که در آن همه زمین به سختی نابود خواهد شد. اصل این کلمه «هارمجیدو» یا «هارمگیدو» است. مکان وقوع این جنگ صحرای «مگیدو» در شمال اسرائیل و کرانه غربی رود اردن است. در این مکان در گذشته شهری استراتژیک بوده که در مسیر عبور از شمال به جنوب و شرق به غرب بوده است. جنگ‌های زیادی در تاریخ در این مکان رخ داده است. این جنگ میان نیروهای خیر (یهودیان) و نیروهای شر (مسلمانان از ایران و روسیه) رخ می‌دهد و به همه دنیا کشیده می‌شود.

در صحیفه «حزقیال نبی» درباره «آرماگدون» آمده است: «باران‌های سیل‌آسا و تگرگ‌های سخت آتش و گوگرد، تکان‌های سختی در زمین پدید خواهد آورد. کوه‌ها سرنگون خواهند شد. صخره‌ها خواهند افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد شد.» در صحیفه «زکریای نبی» آمده است: «گوشت ایشان در حالی که بر پاهای خویش ایستاده‌اند کاهیده خواهد شد و چشمان ایشان در جای خود گذاخته خواهد شد و زبان‌هایشان در دهانشان کاهیده خواهد شد.»

«بنیادگرایان» این عبارات را حمل بر استفاده شدن بمب‌های اتمی و نوترونی در این جنگ می‌دانند. اعتقاد به این جنگ تأثیر زیادی بر سیاست‌های داخلی و خارجی داشته است. «جیمز وات» وزیر کشور اسبق ایالات متحده در کمیته مجلس نمایندگان اظهار داشت: «به علت ظهور دوباره و قریب‌الوقوع مسیح، نمی‌توانم خیلی در بند نابودی منابع طبیعی خودمان باشم.»

ریگان رئیس‌جمهور اسبق آمریکا نیز بسیار تحت تأثیر تعلیمات دینی که توسط مادرش «نل ریگان» دیده بود، قرار داشت. وی می‌گوید: «این نبی خشمگین حزقیال است که بهتر از هر کسی، قتل عامی را که عصر ما به ویرانی خواهد کشاند را پیشگویی کرده است... این علامت آن است که فرا رسیدن آرماگدون، دور نیست.» ۲۹

آرماگدون واژه‌ای عبری و به معنای تپه‌ی شریفان است و آن تپه بزرگی است که در شمال فلسطین واقع شده است. اعضای جنبش تدبیری ایمان دارند که وظیفه مهم آنان فراهم کردن مقدمات ظهور حضرت مسیح (ع) است. لذا برای نیل بدین مقصود، تضعیف نظامی اعراب (مسلمانان) و حمایت مالی، سیاسی و نظامی، تقویت فن‌آوری هسته‌ای اسرائیل را از جمله وظایف خود می‌دانند.

اعضای این جنبش معتقدند حق الهی، قانونی و تاریخی یهودیان است که به سرزمین اسرائیل (فلسطین) بازگردند و خداوند با ملت‌هایی که با اسرائیل همکاری کنند کمک خواهد کرد. لذا مواجهه و رویارویی با اسرائیل یعنی مقابله با خدا و این مفهوم همان سخنانی است که «روهر حسیون» سناتور کنگره آمریکا در سال ۱۹۸۱ در نشست صهیونیست‌ها اظهار داشت: «آمریکا به این خاطر با برکت است که ما یهودیان پناهنده به کشورمان را پذیرفتیم و به آنان احترام می‌گذاریم و از اسرائیل دفاع می‌کنیم زیرا ما به حق اسرائیل در سرزمین (فلسطین) اعتراف کردیم». اکنون این اعتقادات در نظر مردم آمریکا مخصوصاً راست‌گرایان دینی آنها تقویت شده است. مثلاً خانم «گریس هالسل» نویسنده کاتولیک آمریکایی در کتاب «پیشگویی و سیاست» نوشته است:

اسرائیل بر کشورهای عربی همجوار خود پی‌درپی پیروز می‌شود و اوج این پیروزی‌ها حمله به جنوب لبنان است. در یک نظرسنجی که مؤسسه «پتکلیوفینش» در سال ۱۹۸۴ انجام داده مشخص شده است ۳۹ درصد مردم آمریکا ایمان دارند که جهان با سلاح‌های آتشین نابود خواهد شد.



در همین حال تحقیقاتی که مؤسسه آمریکا «نلسن» انجام داده است نشان می‌دهد ۶۱ میلیون آمریکایی همواره از مبشرین شنیده‌اند که می‌گویند ما نمی‌توانیم کاری انجام دهیم تا از وقوع جنگ اتمی جلوگیری کنیم. ۳۰

## حامیان

مسیحیت صهیونیست شامل ده‌ها انجمن است که مهم‌ترین آن «سفارت مسیحیت» واقع در اورشلیم، به شمار می‌آید. امروز یکی از برجسته‌ترین نمایندگان این جریان و خطرناک‌ترین آن‌ها، جماعتی است که «سفارت بین‌المللی مسیحیت» نام دارد. این سفارت در سال ۱۹۸۰ تشکیل و واکنشی به اقدام ۱۳ دولتی بود که سفرای خود را از قدس فراخوانده بودند. دولت‌های مذکور بعد از آنکه «اسرائیل»، شهر قدس را به عنوان پایتخت ابدی خود معرفی کرد، به نشانه اعتراض دست به این اقدام زدند. سفارت بین‌المللی مسیحیت در ۵۰ کشور جهان شعبه دارد و در ایالات متحده نیز ۲۰ سرکنسولگری دارد که وظیفه‌ی آن‌ها تبلیغات مختلف و جمع‌آوری کمک‌های مالی و جنسی و بازاریابی برای کالاهای اسرائیلی است. از جمله فعالیت‌های این سفارت، باید به برگزاری کنفرانس بین‌المللی رهبران مسیحی صهیونیست اشاره کرد که در اوت سال ۱۹۸۵ در سوئیس تشکیل شد و نتیجه‌اش صدور بیانیه‌ای بود که شرکت‌کنندگان در آن ضمن تأکید بر مواضع سنتی موید دولت «اسرائیل»، به دولت و شهروندان اسرائیلی به خاطر دستاوردهای چهل سال اخیرشان تبریک گفتند و از همگان خواستند قدس را پایتخت اسرائیل بشناسند و «یهودا و سامره» (کرانه باختری) را بخش‌هایی از سرزمین اسرائیل بدانند. سران صهیونیست مسیحی در بیانیه مذکور همچنین به ملت‌هایی که با ملت یهود دشمن هستند، هشدار دادند. ۳۱

در سال ۱۸۰۹ م (۱۱۸۸ هـ. ش) در لندن کلیسای انگلستان «جامعه‌ی خدمات روحانی کلیسا برای یهودیان» را تأسیس کرد. اهداف این جامعه به قرار زیر است:

۱- تبلیغ ریشه‌های یهودی دین مسیحیت در بین مسیحیان جهان.

۲- کوشش برای مهاجرت یهودیان از سراسر جهان به سرزمین فلسطین و تأسیس کشور صهیونیستی به نام اسرائیل در فلسطین. یکی دیگر از موسسات فعال پروتستان‌ها که برای مهاجرت یهودیان به فلسطین فعالیت گسترده انجام می‌دهد «سفارت بین‌المللی مسیحیت در بیت‌المقدس» است. در این موسسه بین‌المللی تمامی کلیسای پروتستان‌نیم عضویت دارند و برای انتقال یهودیان به فلسطین کمک‌های مالی زیادی به دولت اسرائیل و یهودیان در جهان می‌نمایند.

دیگر موسسات فعال پروتستان‌ها که برای انتقال یهودیان به فلسطین کوشش می‌نمایند از این قرارند:

۱- دوستان مسیحی اسرائیل

۲- دوستان نیایش مسیحیت برای اسرائیل

۳- پل‌های صلح.

این موسسات پروتستان با دریافت کمک‌های مالی از دولت‌های مسیحی آمریکا و اروپا و مسیحیان سراسر جهان هزینه مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های فلسطین اشغالی را می‌پردازند.

برنامه کنونی این موسسات پروتستان که در دست اقدام است انتقال بیش از یک میلیون یهودی از کشورهای مختلف مخصوصاً از شوروی سابق و اروپای شرقی به مناطق اشغالی فلسطین سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ هـ. ش) است و آریل شارون - نخست وزیر وقت نژادپرست اسرائیل - نیز طرح‌های عملی برای اجرای این طرح وسیع مهاجرت بیش از یک میلیون یهودی به مناطق فلسطین اشغالی را رسماً اعلام داشته است. ۳۲

خداشناسی مسیحیت صهیونیستی :

الف) استقرار مجدد: خداشناسی مسیحیان صهیونیست بر اساس عقیده به بازگشت مجدد به سرزمین موعود و وعده این سرزمین به ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف داده شده و ابدی است. بنابراین آنها به دعا و تقویت یهودیان می‌پردازند تا به جایی که خدا به آنها عطا نموده بازگردند و آن را اشغال نمایند. از آن رو معتقدند : خداوندی که بنی‌اسرائیل را متفرق نمود دوباره آنها را جمع می‌کند (۶ - ۱: ۴۰ کتاب دوم تورات) (۱۰: ۳۱ ارمیای نبی، ۱۲ - ۱۱: ۱۱ اشعیا)

وظیفه کلیسا این است که راحتی و برکت اسرائیل را تأمین کند. اگر کلیسا در انجام این وظیفه درماند؛ برکت خداوند را از دست می‌دهد. «و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند.» ( ۳: ۱۲ سفر پیدایش) به عقیده مسیحیان صهیونیست وظیفه کلیسا این است که به عملیات بازگردانی و استقرار مجدد کمک نموده از آنها حمایت کند، راحتی آنها را تأمین کند و بقای مردم منتخب خداوند را متعهد شود.

ب) برگزیدگی: به عقیده مسیحیان صهیونیست، یهودیان مردم برگزیده‌ی خداوند باقی می‌مانند و ارتباطی منحصر به فرد و ناگسستی با او دارند. با نگاه به تعلیمات کتاب عهد جدید درباره ملت خداوند، خدا هیچ‌گاه مردم یهود را رد یا جایگزین نکرده است . «ولکن چنین نیست که کلام خدا ساقط شده باشد؛ زیرا همه کسانی که از اسرائیل اند، اسرائیلی نیستند و نه نسل ابراهیم تماماً فرزندان ابراهیم هستند.» ( ۷ - ۶: ۹ رومیان)

ج) دیدگاه مبتنی بر کتاب مکاشفات درباره آینده: اساس خداشناسی مسیحیت صهیونیستی عقیده به بخش‌گرایی و وضع احکام دینی در هر دوره و عصر است. بر اساس این عقیده، خداوند جهان را از آغاز تا پایان بر اساس جدولی تدبیر کرده که به هر دوره از آن یک بخش گفته می‌شود. اسرائیل نقش مهمی را در آخرین دوره بازی می‌کند. زمانی که می‌خواهد دوباره به کشوری مستقل تبدیل شود، معبد را بازسازی کند، مقام کشیشی و طریقه و روش فداکارانه را بنیاد نماید. معتقدین به بخش‌گرایی، اسرائیل و کلیسا را مجزا می‌دانند و بر این باورند که خداوند تا آغاز جنگ آرماگدون با هر دو بصورت جداگانه کار می‌کند. سپس عیسی مسیح(ع) به عنوان پادشاه یهودیان باز می‌گردد و از تخت خود در معبد بازسازی شده در اورشلیم بر کل ملت‌ها حکمرانی می‌کند. در آخرین جنگ اسرائیل نابود خواهد شد و صدها هزار یهودی خواهند مرد .

بخشی‌گرایان سال‌ها به دنبال علائم و اجرای پیشگویی‌ها بوده‌اند. اعلامیه کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و جنگ ۱۹۶۷ هر دو به عنوان اجرای این پیشگویی‌ها با نادیده گرفتن وضع اعراب فلسطینی و بخصوص مسیحیان عرب فلسطینی ملاحظه شده‌اند. تمام حوادث جاری به عنوان تابلوهای راهنمای بازگشت دوباره عیسی مسیح(ع) تعبیر می‌شوند. جداول پیشگویی سناریوی بازگشت دوباره عیسی مسیح(ع) را مجسم می‌کنند. حوادث - حتی حادثه همه‌سوزی توسط هیتلر - همه به عنوان وسایل تدبیر شده خداوند برای داوری مورد توجه واقع شده‌اند.

بنابراین هیتلر هم که معتقد به کتاب مقدس نبود با فرستادن مردم حفظ شده به سرزمین حفظ شده به اجرای یک پیشگویی برجسته کمک کرد. این کاملاً بدیهی است که، بدون اسرائیل، برنامه‌های مبتنی بر پیشگویی مسیحیان صهیونیست، تمام تئوری‌های جدایی طلبانه و اجزای آنها، همگی از بین خواهند رفت. به همین علت است که مسیحیان صهیونیست علاقه خاصی به کشور اسرائیل دارند. برای آنها، این موضوع، جنگ بین دو قوم برای رسیدن به صلح نیست بلکه به حقیقت پیوستن جدی پیشگویی‌ها و بازگشت مسیح، با شکوه و افتخار و اجرای اراده کامل خداوند است. مسیحیان صهیونیست راغب نیستند به هیچ تفسیر دیگری از کتاب مقدس و هیچ تعلیم ساده‌ای از آن با توجه به عدالت و صلح، توجه کنند. ۳۳

### اللهم عجل لولیک الفرج والعافیة والنصر وجعلنا من اعوانه و انصاره

منابع:

- ۱- حیدررضا ضابط، صهیونیسم مسیحی، ماهنامه معارف، شماره ۲۰ (آبان ۱۳۸۳) ۱۵-۶.
- ۲- دیوید هاوری، مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۸، ص ۳۸-۵۷.
- ۳- مرتضی شیروودی، فلسطین و صهیونیسم، تحسین، قم، ۱۳۸۲ ص ۲۸-۲۷.
- ۴- عبدالوهاب المسیری، صهیونیسم، ترجمه لواء رودباری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۷؛ روزه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین حکمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۸ . .
- ۵- کشیش دکتر ریاض جرجور، صهیونیسم مسیحی یا صهیونیسم آمریکایی؟، [www.qodstv.ir/maghalat/maghalat.php?id=537](http://www.qodstv.ir/maghalat/maghalat.php?id=537)
- ۶- همان منبع .
- ۷- [bashgah.net/pages-10673.html](http://bashgah.net/pages-10673.html)
- ۸- مرتضی شیروودی [www.bashgah.net/pages-9818.html](http://www.bashgah.net/pages-9818.html)
- ۹- [bashgah.net/pages-10673.html](http://bashgah.net/pages-10673.html)
- ۱۰- مرتضی شیروودی [www.bashgah.net/pages-9818.html](http://www.bashgah.net/pages-9818.html)
- ۱۱- رضا هلال: مسیح یهودی و فرجام جهان، ترجمه قیس زعفرانی، چاپ ۱۳۸۳
- ۱۲- کشیش دکتر ریاض جرجور، صهیونیسم مسیحی یا صهیونیسم آمریکایی؟، [www.qodstv.ir/maghalat/maghalat.php?id=537](http://www.qodstv.ir/maghalat/maghalat.php?id=537)
- ۱۳- همان منبع
- ۱۴- <http://yahood.net/maghalat/maghalat/yahood/48.htm>
- ۱۵- کشیش دکتر ریاض جرجور، صهیونیسم مسیحی یا صهیونیسم آمریکایی؟، [www.qodstv.ir/maghalat/maghalat.php?id=537](http://www.qodstv.ir/maghalat/maghalat.php?id=537)
- ۱۶- همان منبع
- ۱۷- همان منبع
- ۱۸- مرتضی شیروودی [www.bashgah.net/pages-9818.html](http://www.bashgah.net/pages-9818.html)
- ۱۹- همان منبع
- ۲۰- <http://bashgah.net/modules.php?name=Articles&op=peoples&pid=1375>
- ۲۱- همان منبع
- ۲۲- کشیش دکتر ریاض جرجور، صهیونیسم مسیحی یا صهیونیسم آمریکایی؟، [www.qodstv.ir/maghalat/maghalat.php?id=537](http://www.qodstv.ir/maghalat/maghalat.php?id=537)
- ۲۳- حیدر رضا ضابط، نگاهی به جریان نوظهور « صهیونیسم مسیحی » در پروتستانیسم، نشریه « مشکوه » شماره ۷۴ و ۷۵
- ۲۴- پیشارا - اواد، مسیحیت صهیونیستی، <http://khaligefars.com/>
- ۲۵- داود میرزایی مقدم؛ تبلیغ و تبشیر مسیحیت در ایران؛ ۱۳۸۷ (کتاب آماده‌ی چاپ)

**پی نوشت :**

- ۱- میرزایی مقدم، داود؛ تبلیغ و تبشیر مسیحیت؛ ص ۴ تا ۶
- ۲- ضابط، حیدررضا؛ صهیونیسم مسیحی؛ ماهنامه معارف؛ ش ۲۰، صص ۱۵-۶
- ۳- هاروی، دیوید؛ مسیحیت؛ صص ۳۸-۵۷
- ۴- شیروودی، مرتضی؛ فلسطین و صهیونیسم؛ صص ۲۷-۲۸
- ۵- المسیری، عبدالوهاب؛ صهیونیسم؛ ص ۷
- ۶- کشیش ریاض جرجور، صهیونیسم مسیحی یا صهیونیسم آمریکایی؟؛ ص ۵۳۷
- ۷- همان منبع .

www.bashgah.net-10673.html- 8

www.bashgah.net-9818.htm -9

www.bashgah.net-9818.html-10

www.bashgah.net-10673.html-11

www.bashgah.net-9818.html-12

۱۳- هلال، رضا؛ مسیح یهود و فرجام جهان؛ ص ۶۴

www.qodstv.ir-537.html-14

۱۵- همان منبع

Hal Lindsey-16

۱۷- همان منبع

www.yahoo.net.48.html-18

www.qodstv.ir.537.html-19

Blackstone William. E-20

D. L. Moody-21

Benjamin Harrison-22

Cardinal Gibbons- 23

Theodore Herz-124

www.qodstv.ir.537.html-25

Rapture-26

www.bashgah.net-9818.html-27

Armageddon-28

www.bashgah.net-9818.htm-29

www.bashgah.net-9818.htm-30

www.qodstv.ir.537.html-31

۳۲- ضابط، حیدررضا؛ نگاهی به جریان نوظهور صهیونیسم مسیحی در پروتستانیزم؛ نشریه مشکوه شماره ۷۴ و ۷۵

www.khaligefars.com.537.html-33

## معرفی بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

این پایگاه فعالیت خود را در آخرین جمعه رمضان ۱۴۳۷ مصادف با روز جهانی قدس مورخ ۱۱/تیر/۱۳۹۵ آغاز نمود.  
این وب سایت ، یک پایگاه علمی- پژوهشی در زمینه یهود ، صهیونیسم و اسرائیل می باشد.

بخش های مختلف بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم عبارتند از :

(۱) **شناخت جامع یهود ، صهیونیسم و اسرائیل :** اولین پست است و شامل عناوینی است که به ترتیب از تولد دین یهود تا تاریخچه صهیونیسم و ایجاد حکومت اسرائیل مرتب شده اند ، ذیل هر عنوان ، مطالبی جامع مشاهده خواهید کرد و این امر با کلیک بر روی عنوان مورد نظر میسر است . برای سهولت دسترسی به مطالب ذیل عناوین ، در فرصت های دیگر، لینک فایل PDF مطالب جلوی هر عنوان قرار داده شده است .

(۲) **بانک مقالات :** بانک مقالات این پایگاه از غنی ترین بانک های مجازی مقالات باموضوع تخصصی صهیونیسم می باشد. مقالات در بخش های ۱۲ تایی ارسال ، طبقه بندی و آرشیو می شوند. هر ماه یک بخش جدید یعنی ۱۲ مقاله به بانک اضافه می شود .

(۳) **کتابخانه :** کتابخانه شامل کتاب های با فرمت PDF در زمینه یهود ، صهیونیسم و اسرائیل می باشد . کتاب ها در بخش های ۶ تایی ارسال ، طبقه بندی و آرشیو می شوند .